

۴- امکانات سب‌دلاتی کشور های مسلمان

پس از جنگ دوم جهانی ، بار شد و توسعه کشورهای پیشرفته جهان و تغییرات ساختاری در اقتصاد آنها ، جمع و ترکیب کالا و توزیع جغرافیائی تجارت جهان تغییر نمود ، بطوری که در این بین کشورهای توسعه نیافته نقش کم اهمیت تری یافتند و بازرگانی میان کشورهای صنعتی بخش غالب تجارت جهانی گردید .

ترکیب کالاها در تجارت جهانی بر اساس نوع آنها ، نشان دهنده تسلط روز افزون کالاهای ساخته شده و کاهش درتیبسادل محصولات کشاورزی و مواد خام - که از تولیدات اصلی کشورهای در حال رشد است - می باشد . از طرف دیگر قوانین مربوط به حمایت از صنایع داخلی و تحدید واردات کشورهای پیشرفته ، عامل محدود کننده صادرات کشورهای توسعه نیافته بوده و نوسان دائمی قیمت مواد خام در بازارهای جهانی نیز هرگونه برنامه ریزی بر مبنای ایمن درآمد ها را به شکست منتهی ساخته است .

در حال حاضر تجارت جهانی مبین موقعیت ناپایدار کشورهای توسعه نیافته می باشد به گونه ای که نه تنها از منافع ناشی از تجارت به منظور پیشبرد اهداف توسعه ای خود نمی توانند سود جویند ، بلکه اصولاً تجارت به صورت یکی از وسایل استثمار ، در خدمت گسترش شکاف میان این کشورها و کشورهای پیشرفته درآمد هاست .

تحت این شرایط کشورهای در حال توسعه ناگزیرند بدنبال بازارهای جدیدی برای محصولات خود باشند. این بازارها را می‌توان در همین گروه از کشورها جستجو نمود.

کشورهای مسلمان با توجه به معتقدات مشترک و روحیه اخوت اسلامی، می‌توانند زمینه مثبتی برای این همکاریها فراهم آورند. لذا جهت بررسی امکانات مبادلاتی این کشورها، قبسل از هرچیز به خصوصیات کلی آنها میپردازیم.

اوضاع مسلمانان دنیا

oooooooooooooooooooo

کشورهای مسلمان جهان در منطقه‌ای به وسعت ۱۹ درصد از کل اراضی دنیا پراکنده‌اند. اکثریت مطلق جمعیت مسلمانان جهان (حدود ۷۵ درصد) در آسیا و ۲۳/۵ درصد در آفریقا و ۱/۵ درصد مابقی در سایر قاره‌ها زندگی می‌کنند. بررسی توزیع کشورها بر اساس درصد جمعیت مسلمان در آنها (جدول شماره ۱) نشان می‌دهد که اکثریت کشورهای در گروه ۷۰ درصد به بالا، قرار می‌گیرند.

جدول شماره (۱): توزیع کشورهای دنیا بر اساس درصد مسلمانان در آنها

درصد مسلمانان	۱۰۰ درصد	۷۰ درصد به بالا	۵۰ - ۷۰ درصد	۳۰ - ۵۰ درصد	زیر ۳۰ درصد	جمع کل
تعداد کشورها	۱۲	۲۴	۱	۸	۲۱	۶۶

مأخذ: محاسبه شده بر اساس اطلاعات مندرج در: ابراهیم با پلی بزمی مجموعه مقالات علمی-پژوهشی جغرافیایی (۱) جاب اول - (مشهد: آستان قدس رفوی ۱۳۶۵) ص ۳۳-۳۵.

مسلمانان اکثرا " در سرزمینهای خشک جهان پراکنده‌اند و تنها بنگلادش و مالزی و اندونزی در نقاطی با بارانهای موسمی

تابستانی و پوشش جنگلی قرار گرفته‌اند. اسلام بیشتر در نیمکره شمالی گسترش یافته است. با توجه به پراکندگی مسلمانان در کشورهای مختلف دنیا در این بررسی کشورهای اسلامی قلمداد گردیده‌اند که دین رسمی آنها اسلامی باشد (بالغ بر ۴۵ کشور) (۱). در قاره آسیا از نظر وسعت به ترتیب کشورهای عربستان سعودی و اندونزی و از نظر جمعیت اندونزی، بنگلادش و پاکستان قرار گرفته‌اند. پرجمعیت‌ترین کشور مسلمان قاره افریقا، مصر، مغرب، سودان و کم جمعیت‌ترین آنها جیبوتی است. کشورهای اسلامی قاره افریقا عمده "از نظر وسعت در صدر قرار دارند و از نظر جمعیت کشورهای قاره آسیا. این مسئله ناشی از وجود صحاری و کویرها و بیابانهای کم سکنه و یا فاقد سکنه در کشورهای اسلامی افریقای می باشد.

در میان کشورهای اسلامی دوازده کشور جمعیتی بیش از ده میلیون، یازده کشور با جمعیتی از یک تا پنج میلیون نفر و یازده کشور نیز کمتر از یک میلیون نفر جمعیت دارند. نکته قابل توجه آن است که سه کشور اسلامی اندونزی، پاکستان و بنگلادش تقریباً نصف کل جمعیت کشورهای مسلمان را دربردارند و حال آنکه تنها ۱ درصد از کل جمعیت، در دوازده کشور مسلمان زندگی می‌کنند.

نرخ زاد و ولد در کشورهای اسلامی از $\frac{2}{8}$ تا $\frac{5}{2}$ درصد و نرخ مرگ و میر از $\frac{4}{5}$ تا $\frac{3}{3}$ درصد در تغییر است. بنابراین

(۱): طبق این تعریف، کشور نیجریه با ۴۷ درصد جمعیت مسلمان (از ۸۴/۵ میلیون نفر) و آلبانی با ۷۰ درصد جمعیت مسلمان (از ۲/۵ میلیون نفر) در زمره کشورهای مسلمان قرار نگرفته‌اند زیرا دین رسمی آنها اسلام نمی‌باشد.

نرخ رشد جمعیت در کشورهای اسلامی با لاست و بطور متوسط $\frac{2}{5}$ درصد می باشد . نرخ متوسط رشد جمعیت در کشورهای اسلامی با لاتر از متوسط کل کشورهای در حال رشد است . لذا با جمعیت جوان مواجهند و بار تکفل در آنها با لاست . امید زندگی ، شاخصی از مجموع شرایط مساعد یا نامساعد طبیعی، فرهنگی ، بهداشتی و اقتصادی جامعه است . متوسط امید زندگی در کشورهای اسلامی ۵۲ سال می باشد که در اکثر کشورهای مسلمان پائین تر از این حد می باشد . بالاترین امید زندگی در کشور کویت (با ۷۱ سال) و کمترین آن در سیرالئون (با ۳۴ سال) می باشد . برآورد نرخ مرگ و میر کودکان در کشورهای مسلمان ، بطور متوسط ۱۰۷ در هزار و از متوسط جهان بالاتر می باشد . آمارها حاکی از آن است که در $\frac{3}{4}$ کشورهای اسلامی بیسواد رایج است و نرخ باسوادی بطور متوسط بیش از ۴۲ درصد نیست . از نظر بهداشتی نیز وضعیتی مطلوب وجود ندارد بطوری که در سنگال بازای هر ۵۰۰۰۰ نفر و سومالی در مقابل هر ۳۳۰۰۰ نفر یک پزشک وجود دارد و حال آنکه در الجزایر و لیبی نسبت تخت بیمارستانی به جمعیت کشور از تمام کشورها بالاتر (به ازای هر ۲۱۴ نفر یک تخت) می باشد .

درآمد سرانه ، شاخصی برای نشان دادن رفاه اقتصادی مردم است . در این مورد نیز در کشورهای مسلمان اختلاف زیادی موجود می باشد . این رقم از ۸۰ دلار در چاد تا ۲۲۸۷۰ دلار در امارات متحده عربی متفاوت بوده است . در واقع فقیرترین و ثروتمندترین کشورهای جهان در گروه کشورهای اسلامی قرار دارند . از نظر درآمد سرانه طبقه بندی کشورهای اسلامی به شرح جدول (۲)

است. مسئله‌ای که در بررسی آمارهای سرانه باید گوشزد نمود، خام بودن آنهاست زیرا سطح زندگی در کشورهای مختلف جهان متفاوت بوده و دقیقاً " منعکس کننده میزان رفاه در آن کشورها نیست .

جدول شماره (۲): طبقه بندی کشورهای اسلامی بر حسب درآمد سرانه

کمتر از ۴۰۰ دلار	بین ۴۰۰ تا ۱۷۰۰ دلار	بیشتر از ۱۷۰۰ دلار
بنگلادش، بنین، موریتانی، فاسو، کامبیا، مالی، نجر، پاکستان، سیرالئون، سومالی، سودان، اوگاندا، کومور، حسابه.	اندونزی، مصر، مراکش، یمن شمالی، یمن جنوبی، موریتانی، جیبوتی، سنگال، کامرون، فلسطین، سوریه، تونس، ترکیه، اردن.	جمهوری اسلامی ایران، مالزی، برونی، الجزایر، کات، لیبی، بحرین، قطر، امارات متحده عربی، عمان، کویت، عربستان سعودی، عراق.

Source: United Nation Fund for Population Activities, Inventory of Population Project in Developing Countries Around the World, 1984/85 (U.N. Press 1986).

بررسی رشد درآمد ملی این کشورها در دوره ۱۹۷۳-۸۴ نشان می‌دهد که از ۲۹ کشور که آمارشان موجود است، دو کشور اوگاندا و چاد رشدی منفی داشته و تنها کشور اردن بالای ۹ درصد رشد نشان می‌دهد.

جدول شماره (۳): روند تولید ناخالص داخلی کشورهای اسلامی

کشور	سرخ رند متوسط سالانه در دوره ۸۴ - ۱۹۷۳
اوگاندا، چاد	۰ < نرخ
سنگال، سیرالئون، کویت، لیبی، موریتانی، بورکینا فاسو	۲ < نرخ < ۰
بنگلادش، بنین، پاکستان، ترکیه، نجر، تونس، عربستان سعودی، سودان، مالی، گینه، لیبی و مراکش.	۳ < نرخ < ۲
الجزایر، اندونزی، سوریه، عمان، کامرون، مالزی، مصر، یمن شمالی.	۱ < نرخ < ۰
اردن	۹ < نرخ

Source: World Bank, World Development Report 1987, (Washington D.C. 1987).

توزیع نرخ رشد در کشورهای اسلامی یک طبقه‌بندی جغرافیایی را دنبال می‌کند. کشورهای افریقایی، بغیر از شمال افریقا (مصر، الجزایر، سودان و مالی) رشد اندکی داشته‌اند. بعکس کشورهای اسلامی آسیا، مالزی و اندونزی نرخ رشد متوسط و کشورهای صادرکننده نفت، نرخ رشدی نامنظم را نشان می‌دهند؛ که در وهله اول به علت استراتژی صنعتی شدن و ساختار داخلی اقتصاد در وهله دوم به لحاظ کاهش قیمت نفت در بازارهای بین‌المللی بوده است. بررسیها نشان می‌دهد که درآمد ملی در کشورهای صادرکننده نفت (۱) به سود بخش خدمات و در کشورهای با درآمد متوسط (غیر صادرکننده نفت) به سمت بخش صنعت سوق یافته است.

روند تجارت در کشورهای اسلامی

روند تجارت در جهان نشانگر رشد حجم و ارزش آن می‌باشد.

(۱): به علت کثرت تعداد کشورهای اسلامی، و به منظور سهولت

بررسی، آنها را به سه زیرگروه: کشورهای صادرکننده نفت، کشورهای کم توسعه (طبق تعریف سازمان ملل متحد L.D.C) و کشورهای با درآمد متوسط تقسیم بندی نموده‌ایم :

الف - کشورهای صادرکننده نفت شامل: جمهوری اسلامی ایران، برونی، لیبی، کویت، عمان، قطر، امارات متحده عربی، الجزایر، گابن، اندونزی، حجاز، عراق، بحرین.

ب - کشورهای با درآمد متوسط شامل: مراکش، تونس، مصر، اردن، پاکستان، سوریه، ترکیه، کامرون، مالزی، لبنان، فلسطین.

ج - کشورهای کم توسعه شامل: موریتانی، گینه، مالی، سنگال، سیرالئون، بنگلادش، بنین، بوركینا فاسو، چاد، مالدیو، نیجر، سومالی، سودان، وگاندای، گینه بیسائو، افغانستان، جیبوتی، یمن شمالی، یمن جنوبی، کومور و گامبیا.

این رشد در گروه‌های مختلف کشورها متفاوت بوده است. در دهه ۱۹۷۵-۸۵ ارزش کل تجارت (ارزش صادرات و واردات) در دنیا از ۱۷۷۹۲۰۰ میلیون دلار با نرخ رشد متوسط سالانه $9/2$ درصد به ۳۹۴۹۲۰۰ میلیون دلار بالغ گردید. تجارت کشورهای در حال رشد نیز طی همین دوره با نرخ رشد متوسط سالانه $8/7$ درصد از ۴۱۰۳۰۰ میلیون دلار به ۸۷۴۲۰۰ میلیون دلار رسید. ارزش تجارت کشورهای اسلامی که بخشی از کشورهای در حال رشد هستند از ۱۸۳۸۶۸ میلیون دلار به ۴۲۷۱۱۰ میلیون دلار با نرخ رشد متوسط سالانه $9/8$ درصد افزایش یافت. چنانکه ملاحظه می‌گردد رشد تجارت کشورهای اسلامی از کشورهای در حال رشد سریعتر بوده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در طی سالهای ۱۹۷۵-۸۵ صادرات جهانی از ۸۷۵۵۰۰ میلیون دلار به ۱۹۲۳۴۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۵ رسیده و بطور کلی سالانه $9/13$ درصد رشد نمود. در طی همین مدت، صادرات کشورهای در حال رشد با نرخ رشد $8/6$ درصد از ۲۱۴۸۰۰ میلیون دلار به ۴۵۳۶۰۰ میلیون دلار افزایش یافت. گروه کشورهای اسلامی نیز صادراتشان از ۱۱۴۰۴۳ میلیون دلار به ۲۴۴۰۶۸/۵ میلیون دلار رسید و بطور متوسط از رشد $8/8$ درصد در سال برخوردار بود. این امر به معنی آن است که رشد صادرات کشورهای اسلامی سریعتر از صادرات کشورهای در حال رشد بوده است، اما سهم آنها در کل صادرات جهانی از $13/03$ درصد در سال ۱۹۷۵ به $12/69$ درصد در سال ۱۹۸۵ کاهش یافته است. اگر کشورهای اسلامی را در سه زیرگروه بررسی کنیم ملاحظه می‌گردد که صادرات کشورهای کم توسعه اسلامی از ۲۲۴۸/۹ میلیون دلار در سال ۱۹۷۵ به ۵۲۱۱/۲ میلیون دلار در سال

۱۹۸۵ رسیده است. و بطور متوسط سالانه $۹/۷$ درصد رشد نمود. صادرات کشورهای اسلامی با درآمد متوسط طبقی دوره مشابه از رشدی معادل $۱۳/۸۵$ درصد برخوردار نبود. حال آنکه رشد صادرات کشورهای صادرکننده نفت $۸/۰۴۷$ درصد بود. علت اصلی رشد کم تر کشورهای صادرکننده نفت ناشی از کاهش قیمت نفت خام و وابستگی شدید صادرات این گروه به نفت خام می باشد. سهم گروه کشورهای کم توسعه اسلامی در کل صادرات کشورهای مسلمان بین آن است که سهم این گروه در دوره زمانی $۸۵-۱۹۷۵$ از $۱/۹۷$ به $۲/۱۴$ درصد کل رسید، سهم کشورهای با درآمد متوسط در این دوره از $۱۰/۶$ به $۱۵/۹$ درصد و سهم صادرکنندگان نفت بالعکس از $۸۷/۴۳$ به $۸۱/۹۵$ درصد تقلیل یافت. همانطور که ملاحظه می گردد چهارده کشور صادرکننده نفت حدود $\frac{۴}{۵}$ از کل صادرات کشورهای مسلمان را بخود اختصاص داده اند و این امر نه به جهت تولید اقتصادی، بلکه به سبب صدور روزافزون ثروت ملی آنهاست، ده کشور با درآمد متوسط حدود $\frac{۱}{۱۰}$ کل صادرات کشورهای مسلمان و ۲۱ کشور کم توسعه حدود $\frac{۱}{۵۰}$ آنرا دارا هستند. بررسی واردات جهانی نشان میدهد که از ۹۰۳۷۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۵ به ۲۰۲۵۸۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۸۵ رسیده است. طی همین مسدت واردات کشورهای در حال رشد، بارشد سالانه ای معادل $۸/۸$ درصد به

۴۲۰۶۰۰ میلیون دلار افزایش یافته است. متعاقب آن واردات کشورهای مسلمان از ۶۹۸۲۴/۸ میلیون دلار در سال ۱۹۷۵ با رشد متوسط سالانه ۱۱/۳ درصد به ۱۸۳۰۴۲/۴ میلیون دلار رسید. لذا رشد واردات این گروه از کشورهای از کشورهای در حال رشد بیشتر می باشد. سهم واردات کشورهای در حال رشد نیز از کل واردات دنیا از ۲۱/۶ درصد در سال ۱۹۷۵ به ۲۰/۸ درصد در سال ۱۹۸۵ کاهش یافت. همزمان سهم واردات کشورهای اسلامی از ۷/۷۳ درصد به ۹/۰۴ درصد از کل واردات جهانی در سال ۱۹۸۵ افزایش یافت. در مقایسه با کاهش سهم صادرات این کشورها که بطور کلی ناشی از کاهش قیمت نفت و سایر کالاهای اولیه است، این افزایش سهم واردات امکان وجود مشکل تراز پرداختها و وابستگی بیشتر اقتصاد آنها را نشان میدهد.

بر اساس طبقه بندی کشورهای واردات زیر گروه کشورهای کم توسعه اسلامی از ۵۰۷۳/۵ میلیون دلار آمریکا در سال ۱۹۷۵ به ۹۹۹۴/۲ میلیون دلار در سال ۱۹۸۵ رسید و بطور متوسط سالانه رشدی برابر با ۷/۸ درصد نشان داد. واردات در گروه کشورهای با درآمد متوسط غیر صادر کننده نفت از ۲۲۴۳۹/۵ میلیون دلار با رشدی معادل ۱۱/۱۹ درصد به ۵۸۳۲۴/۲ میلیون دلار و در کشورهای صادر کننده نفت این رقم از ۴۲۳۱۱/۸ میلیون دلار به ۱۱۴۷۲۴ میلیون دلار افزایش یافت و بطور متوسط سالانه ۱۱/۷۲ درصد رشد نمود. بنابراین کشورهای صادر کننده نفت بیشترین رشد را در واردات بدست آوردند، حال آنکه در صادرات

کمترین نرخ رشد را بخود اختصاص دادند. سهم واردات این گروه از کشورها از کل واردات گروه کشورهای اسلامی به ۶۲/۶۸ درصد در سال ۱۹۸۵ رسید که نسبت به سال ۱۹۷۵ افزایش داشت. سهم واردات کشورهای مسلمان با درآمد متوسط از کل واردات به ۳۱/۸۶ درصد رسید که نسبت به سال ۱۹۷۵ کاهش نشان می‌دهد. با ملاحظه افزایش سهم صادرات آنها در کل و کاهش واردات می‌توان وضعیت بهتراقتصادی و ترازپرداختهای آنها را دید.

بطور کلی گروه کشورهای مسلمان در سالهای ۱۹۶۰-۷۰ صادرات خود را سریعتر از واردات خود افزایش دادند، رشد سالانه صادرات و واردات طی این دهه به ترتیب برابر با ۱۲/۴ و ۶/۱ درصد بود. اما این روند در دهه بعد معکوس گردید و در سالهای ۱۹۷۵-۸۵ به ترتیب به ۸/۸ و ۱۱/۳ درصد رسید. بعلاوه در دهه ۱۹۶۰-۷۰ هیچ یک از کشورهای اسلامی - که آمارشان موجود است - رشد منفی صادرات نداشتند، اما در دهه ۱۹۷۰-۸۰ نه کشور رشد منفی داشتند که تا سال ۱۹۸۵ به سه کشور تقلیل یافت.

کشورهای اسلامی از نظر تجاری، کشورهایی با اقتصاد باز می‌باشند. و سهم صادرات و واردات در تولید ناخالص داخلی آنها بالا می‌باشد. تنها تعداد کمی از این کشورها نسبت صادرات به تولید ناخالص داخلیشان کم و زیر ۱۰ درصد است. (۱ کشور) در ۳۱ کشور این سهم زیر ۵۰ درصد و در چهار کشور بیش از ۵۰ درصد است. از جمله مشکلاتی که کشورهای با اقتصاد باز با آن مواجهند، ضربه پذیری در مقابل نوسانات کوتاه و بلندمدت بازار جهانی است.

ساختار صادرات و واردات کشورهای اسلامی

اگر صادرات کشورهای اسلامی را براساس طبقه‌بندی کالاها بررسی نمائیم ، یعنی آن را به گروههای مواد غذایی ، مواد خام کشاورزی ، سوختها ، مواد معدنی ، مصنوعات شیمیایی ، ماشین آلات و سایر کالاهای ساخته شده تقسیم نمائیم ملاحظه می‌گردد که گروه کشورهای مسلمان کم توسعه عمده " صادرکننده مواد غذایی با سهمی بیش از ۵۰ درصدند . این سهم در سوما لی ۹۷ درصد ، درگامبیسبا ۹۹ درصد ودر اوگاندا ۹۰ درصد است که تنها در کشور یمن جنوبی سهم انواع سوختها و در یمن شمالی ماشین آلات درصدر قرار دارد . صادرات اصلی گروه کشورهای با درآمد متوسط ، کالاهای ساخته شده می‌باشد و کشور سوریه نیز صادرکننده انواع سوختهای تصفیه شده است . کشورهای صادرکننده نفت نیز چنانکه از نامشان برمی آید ثروت ملی خود را صادر می‌کنند که سهم آن در صادرات برخی کشورها نظیر برونئی ۱۰۰ درصد و در کشورهای عراق ، لیبی ، عربستان ۹۹ درصد است .

بررسی صادرات کشورهای اسلامی براساس گروههای منتخب کالاها نشان می‌دهد که این کشورها عمده " در صادرات مواد خام در رده های بالا قرار دارند . جداول (۴) و (۵) صادرات کالاهای اولیه کشورهای اسلامی و رتبه آنها در جهان را نشان می‌دهد .

صدور الیاف و منسوجات در صادرات کشورهای پاکستان ۶۷/۴۱ ، چاد ۶۶/۳ ، بوركینافاسو ۵۶/۸۱ و مالی ۷۲/۹۵ درصد را بخود اختصاص داده است . بعلاوه درکنار آن صنایع پوشاک در کشورهای

جدول شماره (۶۱) : برخی از مهمترین مواد غذایی صادراتی کشورهای آسیای میانه، آسیای غربی، آسیای شرقی و آسیای جنوب شرقی (۸۲ - ۱۹۸۲)

درصد از صادرات کشورهای آسیای غربی	درصد از صادرات کشورهای آسیای غربی	کشور	نام کالا	SITC
۰/۵۲	۷/۲۸	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱
۰/۴۱	۶/۲۷	ترکیه	سبزیجات	۰۱
۰/۸۷	۱۲/۲۹	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱
۰/۴۶	۰/۱۵	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱
۱/۵۳	۶/۲۶	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱
۰/۱۰	۵/۱۵	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱
۰/۸۲	۹/۲۲	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱
۰/۴۲	۸/۱۵	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱
۰/۰۲	۰/۴۸	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱
۳/۱۸	۳/۲۲	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱
۰/۰۵	۵/۱۲	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱
۱/۲۲	۱۵/۵۸	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱
۲/۵۲	۲/۲۲	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱
۰/۰۲	۱۳/۱۸	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱
۲/۴۱	۱۴/۱۶	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱
۰/۵۲	۱۹/۲۸	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱
۲/۱۲	۷/۱۱	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱
۰/۱۰	۸۹/۲۲	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱
۰/۲۲	۷/۲۰	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱
۵/۲۱	۶/۲۲	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱
۱/۱۰	۱۳/۲۰	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱
۱/۳۲	۲۹/۲۲	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱
۰/۸۱	۱۶/۷	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱
۰/۰۵	۱/۴۵	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱
۱/۲۸	۲۷/۲۹	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱
۶/۱۷	۶/۱۷	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱
۰/۴۵	۲/۵۸	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱
۰/۲۲	۷/۲۸	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱
۰/۰۲	۹/۲۲	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱
۰/۰۲	۳۲/۸۳	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱
۲/۲۲	۱۱/۵	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱
۰/۰۲	۶/۲۲	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱
۱۷/۰۲	۱۳/۲۲	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱
۲/۱۱	۱۷/۵۷	ایالات متحده	سبزیجات	۰۱

Source: United Nations, Handbook of International Trade and Development Statistics 1987, Supplement (New York, U.N. Pub, 1988).

مسلمان ایجاد گردیده که ارزش صادرات لباسهای دوخته شده در این کشورها طی سالهای ۱۹۸۲-۸۵ را بدین شرح می توان برشمرد : مصر ۵۲/۵ میلیارد دلار ، مراکش ۱۴/۵ ، تونس ۳۳/۵ ، حجاز ۲/۵ ، بنگلادش و اندونزی ۱۲/۵ ، مالزی ۱۷/۵ و پاکستان ۱۴/۵ میلیارد دلار. علاوه بر این کشورهای مالزی و ترکیه در زمینه تولید و صدور ماشین آلات غیر الکتریکی فعالیت دارند. با توجه به آنکه کالاهای صادراتی کشورهای اسلامی عمده " کالاهای اولیه می باشند و نوسانات قیمت آنها در بازار و رابطه مبادلاتی بضر این محصولات و فقنسدان اتحادیه های تولیدکنندگان این کالاها ، می توان گفت که کشورهای اسلامی تنها در مورد کالاهایی نظیر نفت خام ، قلع ، کنف و چوب قدرت تأثیرگذاری بر بازار جهانی را دارند و می توانند در تغییر قیمت آنها از طریق اتحادیه های مختلف دخالت نمایند .

بررسی ترکیب واردات کشورهای اسلامی براساس گروههای کالائی در سال ۱۹۸۵ نشان می دهد که رتبه اول را در واردات کشورهای اسلامی ، گروه کالاهای ساخته شده ، ماشین آلات و تجهیزات دارند . رتبه دوم را مواد غذایی و سایر کالاهای ساخته شده و دربرخی کشورها ، سوخت بخود اختصاص داده اند .

تقاضای مؤثر مواد غذایی در کشورهای اسلامی با توجه به افزایش جمعیت ، در حال رشد است . محاسبات دوره ۱۹۷۳-۸۳ نشان می دهد که تولید مواد غذایی در ۲۲ کشور از ۳۸ کشور کمتر از رشد جمعیت و در ۱۶ کشور برابر و حتی بیشتر است . در این دوره رشد محصول غلات در ۱۱ کشور کاهش یافت و در سالهای ۱۹۸۵-۸۴ نرخ رشد تولید غلات در ۱۸ کشور منفی بوده است . لذا در بیشتر کشورها

تغییر بارزی درترازبین حجم واردات و صادرات مواد غذایی رخ داده است بطوری که بسیاری منظمًا " واردکننده مواد غذایی گردیده‌اند. خالص واردات غلات کشورهای اسلامی از ۲۱ میلیون تن در سال ۱۹۷۵ به ۳۹ میلیون تن در سال ۱۹۸۳ افزایش یافت که گندم مهمترین جزء آن را تشکیل می‌دهد. در دوره مذکور واردات علوفه خشک جهت تغذیه حیوانات در کشورهای صادرکننده نفت از ۲ میلیون تن به ۸ میلیون تن رسید. غلات بطور کلی و گندم بخصوص، عمدتاً " جریان تجاری یکطرفه‌ای از آمریکا، EEC، کانادا، استرالیا و آرژانتین بسوی کشورهای اسلامی دارند. کشورهای اسلامی عمده" واردکننده‌اند و ۲۴ درصد از کل واردات جهانی یعنی بیش از ۲۳ میلیون تن گندم را در سال ۱۹۸۲ - ۸۳ وارد نموده‌اند.

رتبه سوم را در واردات کشورهای اسلامی مواد معدنی، سوختها و تولیدات شیمیایی بخود اختصاص داده است. مقایسه ترکیب کالاهای وارداتی - اصلی - کشورهای اسلامی در سال ۱۹۸۵ با ترکیب واردات سال ۱۹۷۵ نشان می‌دهد که این ترکیب ثابت مانده و کشورهای اسلامی در واقع قادر به بهبود ساختار اقتصادی خود و ایجاد صنایع لازمه نگردیده‌اند. بعلاوه پراکندگی واردات در گروههای کالایی اصلی کمتر شده و تقریباً " همه کشورها در گروه واردکنندگان کالاهای مشخص درآمده‌اند.

بررسی دیگری براساس سهم گروههای کالایی اصلی در واردات کشورهای اسلامی نشان می‌دهد که این کشورها واردکننده عمده ماشین آلات غیرالکترونیکی - (کد SITC = ۷۱) - شامل ماشینهای

خاص، ماشینهای اداری، ماشینهای مولد نیرو، ماشینهای خاص صنایع، کشاورزی و نساجی و پوست بوده‌اند، و این گروه کالایی در کشورهای الجزایر، امارات، اندونزی، ایران، برونئی، پاکستان، عراق، عمان، قطر، کابن، کامرون، مصر رتبه اول را دارا می‌باشد. نفت خام در کشورهای دارای تصفیه‌خانه نظیر: بحرین، ترکیه، سنگال، سوریه، سیرالئون، مراکش، یمن جنوبی همین رتبه را داراست. در کشورهای اردن، افغانستان، اوگاندا، بنگلادش، چاد، مالی، نیجر، بورکینافاسو، سهم تولیدات نفتی در واردات، عمده است. بانگاهی دقیق به سیر صادرات و واردات مواد خام نفتی در کشورهای اسلامی می‌توان به آسانی امکان مبادله در این زمینه را ملاحظه نمود. فلزات و تولیدات فلزی دریا زده کشور و ماشین آلات غیر الکتریکی در دوازده کشور و وسایل حمل و نقل در هفت کشور رتبه دوم را دارد. واردات فلزات و رشد آن را می‌توان ناشی از برنامه‌های رشد و توسعه بخش صنایع و ساختمان دانست.

ساختار صادرات و واردات اکثر کشورهای اسلامی عمده" به علت وابستگی شدید به اقتصادهای حاکم بر آنها و شرکت در تقسیم کار جهانی شکل گرفته و کمتر در جهت پاسخ به نیازهای داخلی و احیای اقتصاد آنها بکار رفته است. هم اکنون کشورهای چندی نظیر: ترکیه، مالزی، اندونزی و پاکستان تلاشهایی را در جهت بهبود ساختار صادرات خود آغاز نموده‌اند که تاکنون مثبت بوده است. اما کشورهای صادرکننده نفت با آنکه در صنایع مختلف سرمایه‌گذاری نموده‌اند هنوز بدون نفت قادر به ادامه حیوانات اقتصادی خود نیستند.

در گروهی از کشورهای اسلامی ، بخش خدمات سهم قابل ملاحظه‌ای را در واردات و صادرات بخود اختصاص داده است . این فعالیتها که شامل : حمل و نقل ، موسسات مالی ، بانکی ، بیمه و ارتباطات می‌گردد ، بخش عمده‌ای در صادرات پاره‌ای از کشورهای نظیر : اردن ، مالدیو ، یمن جنوبی و شمالی بازی می‌کنند در گروه دیگری از کشورهای نظیر گابن ، مالدیو ، عربستان سعودی در صدد واردات آن به بیش از ۵۰ درصد بالغ می‌گردد .

امکانات مبادلاتی کشورهای مسلمان

oo

پس از بررسی ساختار واردات و صادرات کشورهای اسلامی و تعیین عرضه (صادرات) و تقاضا (واردات) می‌توان به بررسی امکانات مبادله میان این کشورها پرداخت . البته به علت کثرت تعداد کشورها و فقدان آمار لازم ، بررسی دقیق و جامع واردات کشورهای اسلامی میسر نگردید و به همین لحاظ نظرات ارائه شده در چهارچوب داده‌های آماری در خصوص ساختار واردات و صادرات ، بر اساس گروه‌های کالایی منتخب استوار گردیده است .

– نفت خام و فرآورده‌های نفتی دو قلم عمده از کالاهای صادراتی گروهی از کشورها و واردات گروهی دیگر می‌باشند . کشورهای نظیر ایران ، کویت ، لیبی ، گابن ، الجزایر ، امارات ، قطر ، عمان ، اندونزی ، عراق و حجاز صادرکننده نفت خام می‌باشند در حالی که کشورهای بحرین ، ترکیه ، سنگال ، سودان ، سوریه ، سیرالئون ، مراکش ، یمن جنوبی ، پاکستان و گینه واردکننده

آن هستند. که پس از پالایش آن را مجدداً " صادر می‌کنند. کشورهای اردن ، افغانستان ، اوگاندا ، بنگلادش ، چاد ، مالی ، نیجیر ، بورکینافاسو ، لبنان و یمن شمالی دریافت‌کننده‌های مواد پالایش شده هستند و کشورهای صادرکننده نفت قادرند تمام تقاضای کشورهای اسلامی را در این زمینه برآورده سازند .

– در گروه کالاهای ساخته شده ، کشورهای اسلامی عمده‌واردکننده بوده‌اند و کشورهای تونس ، مراکش ، ترکیه ، یمن شمالی و مالزی صادرکننده می‌باشند .

– در گروه غلات تنها کشور حجاز و پاکستان صادرکنندگان اصلی بوده و سایر کشورها واردکننده‌اند .

– در گروه مواد خام کشاورزی ، کشورهای اسلامی از صادرکنندگان عمده هستند. اما تقاضای جهانی برای آنها محدود است . در واقع ساختار صادرات کشورهای اسلامی همانطور که قبلاً خاطر نشان گردید براساس مزیت‌های نسبی و تقاضای بازار جهانی شکل گرفته است و واردات نیز تاحدی به تبع آن صورت می‌گیرد .

– در مورد روغن‌های خوراکی گیاهی ، مواد اولیه نظیر پنبه و کتف ، مواد معدنی غیرفلزی ، و منسوجات ، کشورهای اسلامی دارای امکان مبادله و تأمین نیازهای خود می‌باشند . کشورهای یمن شمالی و جنوبی نیز در زمینه وسائط حمل و نقل و سیمان قابل ذکرند . در مورد وسایل غیرالکترونیکی کشورهای مالزی ، پاکستان ، ترکیه و اندونزی فعالیت مثبتی دارند . بطور کلی کشورهای اسلامی شرق آسیا از نظر مواد خام کشاورزی و معدنی غنی‌اند و از نظر سطح توسعه پیشرفت زیادی کسب نموده‌اند . از نظر میوه‌های تازه کشورهای

ترکیه ، پاکستان ، بنگلادش و افغانستان را می توان نام برد . اما این کشورها عمده " در زمره واردکنندگان کالاهای ساخته شده ، وسایل پزشکی ، وسائط حمل و نقل ، مواد غذایی نظیر گندم و ماشین آلات الکتریکی و غیرالکتریکی به بازارهای جهانی وابسته اند .

همانطور که از ساختار صادرات و واردات کشورهای اسلامی برمی آید ، این کشورها عمده " کالاهای اولیه را صادر و پس از تغییر شکل مجدداً آن را وارد می کنند که این امر مشکل تراز پرداختهای ناشی از نظام مبادله کالاهای صنعتی و اولیه را دوچندان می نماید . زیرا صادرکنندگان کالاهای اولیه با دو مسئله عمده مواجهند : که یکی وجود رابطه مبادله بضرر این محصولات و دیگر وجود شرکتهای چندملیتی است . اگر به صورت یک پیکره واحد برای این کشورها نظیر بیندازیم ضروری است که در چهارچوب این گروه از کشورها صنایع تبدیل مواد خام در سطح پیشرفته تری ایجاد گردد . زیرا کشورهای اسلامی عمده " در زمره صادرکنندگان کالاهای معدنی ، مواد اولیه خام کشاورزی و نفت خام می باشند . اما ادامه این روند درآینده نزدیک همانطور که اکنون نیز آشکار شده بصره نیست . چنانچه در حال حاضر از کالاهای اولیه استفاده منطقی تری بعمل می آید و از ریخت و پاش و ضایعات جلوگیری می شود و از طرف دیگر مواد مصنوعی ساخته شده ، کالاهای اولیه باریشه نباتی ، حیوانی یا معدنی را از دور خارج نموده است و کم کم الیاف مصنوعی ، لاستیک مصنوعی و مواد پلاستیکی جانشین انواع طبیعی این مواد گردیده است . مواد غیرآهنی و لاستیک طبیعی و پشم و چرم نیز کمتر مورد استفاده قرار می گیرد . مصرف نفت خام نیز پیوسته در حال

جایگزینی با سایر انواع انرژی نظیر: برق، باد و خورشیدی باشد. مصرف مواد غذایی و نوشابه‌ها نیز در کشورهای غربی بحد اشباع رسیده و بنابراین کاهش درآمدی تقاضا برای این نوع کالاها نزولی است و تقاضای غلات، لبنیات، چای و قهوه کندتر از افزایش واقعی درآمد رشد می‌کند. بعلاوه توسعه تولیدات صنایعی که احتیاج کمتری به مواد اولیه دارند، مثل: صنایع الکترونیک، کامپیوتر و صنایع شیمیایی در مقابل توسعه آرام صنایع دیگر، نیاز به مواد معدنی را تقلیل می‌دهد.

از نکات مهمی که کشورهای مسلمان، با کمک آن توانسته‌اند در صنایع کاربر بازار جهانی امتیازاتی بدست آورند، کارگران ارزان است. کشورهای مالزی، پاکستان، بنگلادش، اندونزی و بسیاری دیگر از این امر سود جسته‌اند، و در تولیدات کاربری نظیر: منسوجات، کفش، کالاهای چرمی، برخی از وسایل الکترونیکی قدم‌های قابل توجهی برداشته‌اند. هم اکنون حدود ۴۰ درصد صادرات جهانی پارچه به کشورهای در حال رشد تعلق دارد که سهم کشورهای مسلمان در آن قابل توجه است. اما انقلاب "میکروالکترونیک" در غرب این صنایع را نیز از رده خارج خواهد ساخت و این امر مشکلات عمده‌ای را برای کشورهای اسلامی صادرکننده منسوجات ایجاد خواهد نمود. تغییر مسیر این صادرات بداخل گروه کشورهای مسلمان یکی از راه‌حل‌های مناسب می‌باشد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که واردات کشورهای صنعتی از کشورهای در حال توسعه موجب از دست رفتن تعداد کمی از مشاغل می‌شود. در حالی که صادرات کالاهای ساخته شده به کشورهای

در حال رشد به مراتب فرصت اشتغال بیشتری را بوجود می‌آورد. آنچه تا بحال رابطه کشورهای شمال - جنوب را تحکیم نموده استفاده از همین مسئله بوده است. با سرمایه‌گذاری در راه ایجاد صنایع مختلف می‌توان این فرصتهای اشتغال را در داخل کشورهای مسلمان بوجود آورد.

البته موارد مذکور تنها جزئی از آنچه اقتصاد کشورهای اسلامی را در معرض تهدید قرار می‌دهد می‌باشد. ساختار امروزه تجارت بین الملل، ریشه در تاریخ توسعه اروپا دارد و تحویل آرام و پیوسته آن از اوایل قرن یازدهم، شالوده اقتصاد جهانی را به شکل امروز آن بنا نهاده است. و اینکه کشورها چه کالاهایی صادر و وارد می‌نمایند و طرف تجاری آنها کدام کشور است، مسئلهای نیست که در مدت زمان کوتاه ایجاد شده باشد بلکه سابقه‌ای بیش از چند قرن را بدنبال خود دارد. لذا برای تغییر این رابطه و بهره‌گیری از استعدادهای طبیعی و رشد و توسعه صنعتی نیاز به برنامه‌های دقیق و بلندمدت می‌باشد. کشورهای مسلمان برای آنکه بتوانند این رابطه را تغییر داده و ارتباط تجاری را با سایر کشورهای مسلمان ایجاد نمایند باید گامهای چندی را بردارند.

خلاصه و جمع‌بندی

oooooooooooooooooooo

بررسیها نشان داد که کشورهای اسلامی از نظر اقتصادی دارای مشکلات عدیده‌ای نظیر: کمبود تولید، جمعیت زیاد، رشد اندک اقتصادی و مسایل توسعه صنعتی می‌باشند. خصوصیات این کشورها را بدین صورت

می‌توان جمع‌بندی نمود :

- ۱- تجارت در اقتصاد کشورهای اسلامی جایگاه مهمی دارد و این گروه از کشورها در رده کشورهای با اقتصاد باز قرار می‌گیرند.
- ۲- رشد واردات در کشورهای اسلامی در دهه اخیر سریعتر از رشد صادرات در این دهه بوده است.
- ۳- کشورهای صادرکننده نفت نقش عمده‌ای در تجارت جامعه اسلامی و صادرات و واردات بازی می‌کنند.
- ۴- کشورهای اسلامی عمده " دارای مشکل کسری پرداختهای خارجی می‌باشند . و این کسری روبه افزایش است .
- ۵- کالاهای صادراتی کشورهای اسلامی اغلب مواد اولیه - خام - کشاورزی ، نفت خام ، تولیدات نفتی می‌باشد و به علت اتکال به صادرات یک کالا ضربه پذیر هستند و ساختار عرضه آنها در طی دهه اخیر بدون تغییر مانده است .
- ۶- اقلام عمده وارداتی کشورهای مسلمان شامل : کالاهای ساخته شده ، ماشین آلات الکتریکی و غیرالکتریکی و مصنوعات می‌باشند . ساخت تقاضا نیز به سمت تمرکز بیشتر بر روی کالاهای خاص گرایش دارد .
- ۷- آینده صنایع صادراتی کشورهای اسلامی با کاربرد گسترده تکنولوژی میکروالکترونیکی و صرفه جویی در استفاده از منابع طبیعی در خطر است .
- ۸- مبادلات تجارت مکملی میان کشورهای اسلامی در مورد نفت خام و روغنهای خوراکی و الیاف و منسوجات می‌تواند وجود داشته باشد .
- ۹- ساخت تولید و صادرات کشورهای اسلامی یک تقسیم‌بندی جغرافیایی را دنبال می‌کند . که عبارتند از :
الف- کشورهای خاورمیانه‌ای با مزیت نسبی در تولید نفت خام ، میوه‌جات و سبزی‌ها (ترکیه ، افغانستان) ، تولیدات

شیمیایی (بحرین ، یمن جنوبی) منسوجات (ایران و ترکیه و پاکستان) ، پنبه و کتف (پاکستان و بنگلادش) ، پوست و چرم (بنگلادش و پاکستان) ، کف پوش و قالبی (ایران و افغانستان و پاکستان) و وسائط نقلیه (کویت ، یمن ، عمان) .

ب - کشورهای خاوردور با مزیت نسبی در چوب (مالزی و اندونزی) ، دانه سویا ، روغن نخل (مالزی) ، مواد معدنی غیر فلزی ، قلع ، ماشین آلات غیر الکتریکی (مالزی ، اندونزی) .

ج - کشورهای اسلامی شمال آفریقا با مزیت نسبی در امر تولید مواد خام کشاورزی نظیر: پنبه ، قهوه ، میوه ، چتائی ، تنباکوی صنعتی و علوفه ، کاکائو و مواد معدنی غیر فلزی (مراکش ، صحرا ، لیبی) و بوکسیت (گینه) .

بطور کلی کشورهای اسلامی به علت فقدان ساختار صنعتی و اقتصادی مناسب هنوز هم منبع تأمین ارزش خارجی آنها در گروتولیداتی است که به عنوان مواهب طبیعی در اختیار دارند . که به علت عدم وجود مبادلات مکمل بجز در مورد معدود کالاهای خاص ، مبادله مشترک امکان پذیر نیست . و در صورت وجود هم شمار خاصی از کشورهای از این رابطه منتفع می گردند .

مسئله اساسی ، تفاوت فاحش کشورهای مسلمان از نظر سطح درآمد و توسعه می باشد . کشورهای خاورمیانه و خاوردور از نظر سطح توسعه و درآمد با کشورهای کم توسعه آفریقا نامتجانس هستند و همین امر باعث گردیده است تا رابطه مبادلاتی میان کشورهای اسلامی ، در بین کشورهای پردرآمدتر بوجود آید و کشورهای فقیرتر تنها در زمره دریافت کنندگان کمکهای نقدی و جنسی قرار گیرند . لذا برای تغییر جهت روابط بازرگانی به سمت گروه کشورهای اسلامی نیاز به تلاشهای مداوم است .